



تشویق بمنزله منبع انرژی و  
موتور محرکه در انسان عمل می  
کند . و همه انسانها در همه  
سطوح و در تمام طول عمر بدان  
نیازمندند و از آن تاثیر می  
پذیرند .

# تشویق و تنبیه در خانواده

بهشت و دوزخ

هرگاه بحث از تشویق به میان آید معمولا " ،  
پول ، جایزه ، اعطای رتبه و درجه ، کاپ ، و  
برای کودکان ، اسباب بازی و خوردنی و امثال  
آنها به ذهن می آید .

موقعی که سخن از تنبیه بمیان می آید ، عوامل  
و ابزاری ، نظیر : کتک زدن ، حبس و توفیف  
کردن ، جریمه دادن ، محروم نمودن ، سرزنش  
کردن و نظائر اینها بخاطر مجسم می گردد .

از آنجاکه یکی از نیازهای انسان و کودکان  
اینستکه اعمال و کارهای او درجائی و نزد کسی  
بحساب آید ، و مورد قبول قرار گیرد ، هرکدام  
از عوامل تشویق کننده در جای خود موثر و  
لازم و مفید هستند . وبدون وجود موجبات  
شوق انگیز فعالیت انسان کاهش می پذیرد و  
رونقی ندارد .



محمد حسن آموزگار

خداوند که خالق انسانست خودش به احوال روحی انسان و قوف کامل داشته است و میداند که اصلاح رفتار او از طریق پاداش و کیفر میسر است . بنابراین به صالحان و مومنان وعده‌های نیکو و به تبه‌کاران وعده جهنم داده است ، همه انبیاء خداوند بشیر و نذیر بوده‌اند و پیام خداوند را در باره جاودانگی انسان در بهشت یا در جهنم ابلاغ فرموده‌اند . خداوند می‌فرماید: **وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ .**

نفرسنادیم پیامبران را مگر اینکه ، بشارت دهنده و ترساننده هستند .

آنچیزی را که پیامبران بدان مژده داده‌اند رضوان الله ، لقاء الله ( حصول رضایت خداوند تعالی و دیدار پروردگار ) و یا ورود به بهشت است در این رابطه خداوند فرموده است .

(بینه آیه ۶) **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسَنَ رَبَّهُ .**

همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند ایشان بهترین خلق خدایند . مزد آنان نزد پروردگارشان است و آن بهشتهای مستقر و جاودانه‌ای است که نهرها از زیر آنها جاری است و مومنان در آن حاویداند برای همیشه ، خداوند از ایشان راضی است و ایشان هم از خداوند راضی هستند . و این سرنوشت کسی است که از پروردگارش بترسد . آنچه قابل اعتنا است اینستکه :

تشویق بمنزله منبع انرژی و موتور محرکه در انسان عمل می‌کند . و همه انسانها در همه سطوح و در تمام طول عمر بدان نیازمندند و از آن تاثیر می‌پذیرند .

همه آحاد ملت از سوی دولت ، کارمندان از طرف روسا و مسئولان مافوق ، شاگردان صنعتکار ، از طرف متخصصان و کارشناسان ، سربسازان از سوی افسران ، زنان از سوی شوهران ، فرزندان از سوی پدر و مادر ، و شاگردان مدرسه از طرف معلمان انتظار دارند که کارهایشان مقبول واقع شود و خدمات آنان نحوی ماجور باشد .

\*\*\*\*

اینک بحث این مقاله متوجه پدران و مادران در رابطه با فرزندانشان است . و سخن از اینکه معلوم شود تشویق و تنبیه را بنسبت چه تدابیر عوامل و اموری می‌توانند معمول دارند . و این عوامل برانگیزاننده ، به ترتیب اولویت چگونه طبقه بندی میشود ، و تاثیر کدامشان عمیق‌تر و دوام آورتر است .

کدام یک از این عوامل که برانگیزاننده یا بازدارنده‌اند ، ریشه در درون افراد انسان دارد و انگیختن آنها ، چنگ به درون آدمیان می‌افکند و حرکت انسان را در یک راستای رساننده به هدف توجیه می‌کند . . . بالاترین و عده تشویق آمیزی که خداوند متعال بعد از رضای خودش به بندگان داده است ، ورود نیکوکاران و صالحان به بهشت است . از بهشت و نعمتهای متعلق به آن سخنان و توصیفات متعددی در قرآن کریم و احادیث بمیان آمده است .

از یک بیان ساده برای کودکانست .

پدر در ساعت مناسبی که خودش و فرزندش در یک وضع روحی شاد قرار دارند و عوامل مخلی که مانع توجه کودک بشوند وجود نداشته باشند باب سخن می گشاید . عوامل مخل نظیر عوامل زیراند .

حضور افرادی که با هم حرف بزنند ...

تلویزیون برنامه‌های جالب توجه برای کودکان اجرا کند ... بچه دلپره نبودن مادر یا عدم انجام تکالیف مدرسه را داشته باشد . پدر در صورت وجود موقعیت مناسب ، باب مکالمه را بشرح زیر می گشاید از بچه می پرسد بنظر تو بدیها کدامند ؟ چند تا از بدیها را که دیده یا شنیده‌ای بگو آنگاه خودش هم کمک می کند تا بچه موارد زیرا را بر شمارد .

۱- کسی قلم دوستش را بردارد

۲- انسان بد دوستش لگد بزند .

۳- دانش آموزی به دوستش کلمه زشتی بگوید .

۴- بچه‌ای بدون اجازه پدر و مادر از خانه

خارج شود .

۵- به خواهر برادرمان جنگ بزیم .

۶- وقت خوردن ، غذا را به اطراف بریزیم .

۷- لباسهایمان را بعد از بیرون آوردن به

اطراف پراکنده کنیم .

۸- نانها را وقت خوردن تکه پاره زیر دست

و پا بریزیم .

۹- از پشت بام یا از پنجره به خانه همسایه

نگاه کنیم .

۱۰- از پنجره ظرف آب به داخل کسوجه

خالی کنیم .

۱۱- کبریت روشن کنیم روی فرش یا لباس

پرتاب کنیم .

الف- سخن خداوند متعال صدق است و بیانات پیامبران هم که از وحی دریافت شده است بایقین کامل همراه است و درکمال صداقت است لذا فی نفسه در شنونده تاثیر دارند .

ب- وجود بهشت و دوزخ دو امر حقیقی است .

ج- هر امری را که حقیقت دارد و در رابطه با رشد و تعالی انسانست قاعدتا " بایستی شناخت و هم شناساند . اما در هر سنی به فراخور استعداد و ظرفیت بایستی مطرح شود .  
د- اگر انسانها به درستی از وضع آیند خود بعد از رحلت از این دنیای محدود و گذراوفانی آگاه گردند ، رفتار خود را تعدیل و اصلاح می کنند .

ه- اگر افراد انسان و اختصاصا " کودکان و نوجوانان از وظایف خود در پیشگاه خداوند و سایر ممنوعان اطلاع معتبری بدست آورند از لغزش مصون می مانند یا حد اقل کجرفتاریهای آنان کاهش می پذیرد .

### چگونگی طرح مساله رضایت خداوند برای نوجوانان

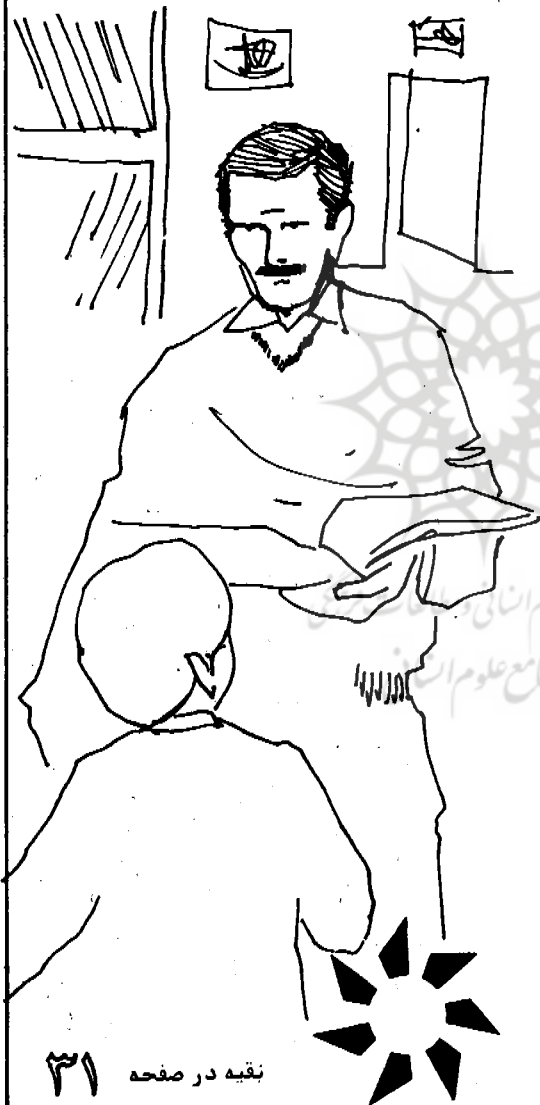
بعضی می گویند اگر بچه را به پادشاهی که خداوند وعده داده است امیدوار کنیم درک مطلب را ندارد و سخن ما در این رابطه بی تاثیر است .

البته اگر بخواهیم برای کودکان حکمت الهی بگوئیم و عبارات ثقیل فلسفی بکار ببریم نمی فهمد و وقتی نفهمد توجه نمیکند . اما اگر موضوع مهر و خشم خداوند را با زبان ساده مطرح کنیم می فهمد . مثلا " طرح زیر نمونه ای

پدر به بچه ، آیا فکر می کنی خداوند این کارهای بد را می پسندد ؟ بچه: خیر .

پدر به بچه ، منم همین را می گویم خداوند از کار بد خوشش نمیآید و هرکس کار بد بکند او را دوست نمیدارد .

پدر به بچه : خوب ، فکر میکنی خداوند درباره کسی که کار بد بکند چه خواهد کرد؟ اینجا از دو حال خارج نیست یا بچه میگوید



۳۱ بقیه در صفحه

۱۲- سرو صدا و فریاد ناگهانی راه بیندازیم که مردم از جا بپرند .

اینک با گفت و گوی فوق لیستی از بعضی کارهای به اصطلاح "بد" در اختیار داریم . و بچه قائل است که اینها بُدی هستند .

با مکالمه فوق چند کار کرده ایم .

اول اینکه برای بچه شخصیت قائل شدیم که با او به مباحثه نشسته ایم در نتیجه کودکی احساس اعتماد بنفس پیدا می کند .

دوم اینکه ضمن بر شمردن بدبها به او آموزش داده ایم که کارهای فوق را شناسد ، و قطعا " او اینها را بد میدانند . ( ولو اینکه بعدها بر اثر غفلت مرتکب شود )

سوم اینکه افق فکری کودک را توسعه داده و به قدرت مکالمه او مدد رسانده ایم .

چهارم - اینکه مقداری از وقت خود و فرزندان را بصورتی نظامدار درجهت تربیتی مصرف رسانده ایم .

\*\*\*\*

حالا جریان گفت و گو را بنحو زیر استمرار میدهیم :

خطاب به بچه : آیا تو این کارها را دوست داری ؟ خواهد گفت خیر این کارها خوب نیستند .

پدر - منم این کارها را بدمیدانم و دوست نمیدارم .

پدر به بچه ، آیا مردم دیگر مثلا مادرت معلمت ، همکلاسیهایت این کارها را دوست میدارند ؟ بچه: خیر

پدر به بچه ، درست می گوئی هیچکس از این کارهای بد خوشش نمی آید .

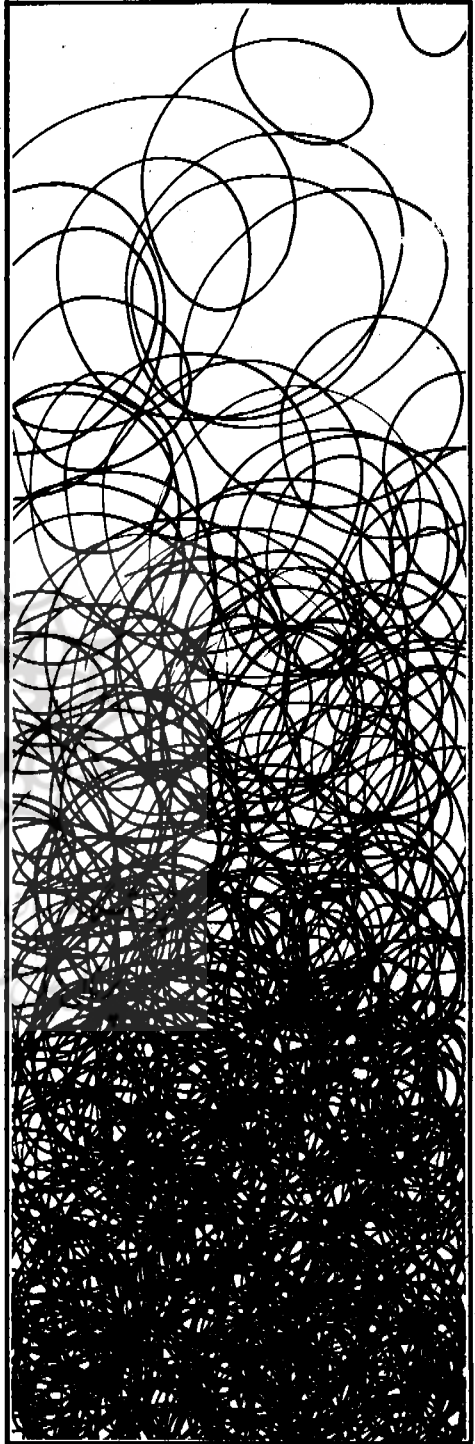
دکتر علی قاضی

## بی بندوباری در روابط

محیط مناسب خانواده

دراهر تربیت و رشد و سازندگی انسان خانواده نقشی اساسی دارد و این مسأله در رابطه است با همه جریانات و اموری که در آن محیط میگردد. گفتار و کردار والدین، طرز برخوردها و روابط شان با یکدیگر، ارتباط و معاشرت اعضای خانواده با همدیگر، مراقبت‌ها در خواب و بستر، نوع بازی‌ها و وقت‌گذرانی‌ها، نوع پوشش و ستی کسه در خانواده وجود دارد، کنایات و اشارات و... همه برای کودکان درسند.

این درس‌ها از همان روزهای اول ولادت کودک آغاز میشود و نازوی که او در خانه و شاهد و ناظر رفتارها و برخوردهاست ادامه پیدا میکند. این گمان خطاست که برخی تصور کنند چون کودک نوزاد و یا شیرخوار است از جریان‌های خانوادگی تاثیر نمی‌گیرد. طفل از همان روزهای اول تولد می‌بیند و می‌شنود و از طریق لمس با جهان خارج آشنا میشود، اگر چه درک همه آنچه که در دور و بر اوست برایش فعلاً نامفهوم باشد.



این خطاست که انحراف را امری صرفاً "زیستی و یا صرفاً" اجتماعی بخوانند، این امور درهم نآئیر دارند و یکی زمینه ساز آن دیگری است. محیط ذهنی کودک که سرو سامان یافتنی از محیط اجتماعی است در مواردی ممکن است اندیشه او را آشفته ساخته و کودک را به راهی وا دارد که مورد رضای شما نیست. حال می‌گوئیم خانواده‌های این چنین که زمینه ساز انحراف و لغزش کودک است خانواده‌های نابسامان است.

ضرورت هشیاری ها



بخشی از آینده کودک در گرو این است که کودک در دوران کودکی شاهد چه امور وروابطی در خانواده بوده است. آری، روابط همسری امری است که در همه خانواده‌ها وجود دارد دارای صورت مشروعی است ولی پدران و مادران در این رابطه باید مراقبت هائی داشته باشند. اسلام حتی دوست دارد که زن و شوهر باهمه محرمیتی که نسبت بیکدیگر دارند در روابط همسری وقیحانه عمل نکنند مثلاً" در حضور هم کاملاً" برهنه نباشند، ستري و حائلی فیما بین شان باشد. وقتی که مسأله در رابطه با خودشان بدین حداست در رابطه با کودکان قطعاً" بسی اندیشیده تر است. اسلام دستور میدهد حتی در حضور کودک شیر خواری که که ناظر بر جریانات است روابط همسری صورت نگیرد، مگر آنگاه که بر روی او پرده‌ای افکنده شود.

این تصور برای برخی از اطرافیان کودک پیش نیاید که طفل موجودی بی احساس و پخته است. اگر امروز از حقایق و اسرار امور در عین دیدن و شنیدن سردر نیاورد فردا همه این مسائل برای او مفهوم می شود و عکسهائی که در ذهن از جریانات گذشته دارد برای او خوانا میگردد. وساختمان کامل رفتار بعدی او بستگی خواهد داشت به نوع تجاربی که از قبل بدست آورد، و تعبیر و تفسیری که از دیده‌ها و شنیده‌های خود داشته است.

ریشه های انحراف

براین اساس محیط ذهنی کودک محیطی سرنوشت ساز و از عوامل جرم انگیز است و ساختار آن مربوط به نوع تجارب و ایده‌ها و شنیده‌های کودک در دوران خردسالی است. ممکن است آدمی بعدها در دوران نوجوانی و جوانی بر اثر آن راه انحراف و لغزش را در پیش بگیرد و یا راه شرافت و پاکی را. کودک که در خانواده با معیارهای صحیح پرورش نیافته کنجاوی هائی در زمینه مسائل و حوادثی دارد که در نهایت ممکن است برای او صدمه بیافریند. برخی از پدران و مادران بدون اینکه خود آگاه باشند آموزشگران نیرومندی در زمینه لغزشها و حتی انحرافات جنسی هستند. بعنوان مثال در امری مثل آلودگی های جنسی، عورت نمائی و . . . . . که لغزشهائی بسیار خطرناک بحساب می‌آیند اگر ریشه‌یابی کنیم ممکن است در مواردی آن را ناشی از بد آموزی‌های کودک در محیط خانواده بباییم.

آلودگی جنسی فراهم سازد . در خواب باید بنبوه‌ای پوش داشته باشد که اگر لحاف به کناری رفت در ذهن کودکان سئوالی بر نیانگیزاند . در غیر اینصورت خانواده دچار نابسامانی است .

در اسلام توصیه شده است که کودکان در سنین تمیز بی اجازه و سرزده وارد اطاق خواب پدر و مادر نشوند و در حین صبح و شام که ممکن است در پوشش زنان و شوهران سستی و بی توجهی خاصی وجود داشته باشد آنان شاهد نباشند . برعکس محل خواب فرزندان باید بگونه‌ای باشد که والدین بر خواب و بیداری شان اشراف داشته باشند و بصورت غیر مستقیم آنها را کنترل کنند .

این امر بدان خاطر است که چشمان کودک از جریانات عکس بر میدارد . این عکسها در اندرون و مخزن ذهنش نهفته و نگهداری شده است و فعلا" برای او مفهوم نیست ولی واقعه همه گاه بهمین جا خاتمه نمی یابد . ممکن است بادیدن واقعه ای شبیه آن ، در سنین بعدی این عکس از مخزن ذهن بحضور آید و برایش معنی دار گردد . در آن صورت پدر و مادر مسئول عواقب وقایعی خواهند بود که از این دیدار ناشی شده است و تقلیدهای کودک را باید پاسخگو باشند .



بدون شک کودکان خردسال و آنها که در سنین تمیز نیستند در اطاق پدر و مادر و در کنار آنها می خوابند - از حدود سنین تمیز ( ۶ و ۷ سالگی ) زمانی که به دنیای متفاوت زن و مرد آشنا شده‌اند سعی داریم بسترشان را از هم جدا کنیم و از حدود ۱۰ سالگی در صورت امکان اطاق شان را از هم جدا می کنیم .

زن و شوهری که در یک بستر می خوابند حتی در خواب نیز نباید آزاد ، بی بند و بار و بی پروا باشند که این امر زمینه را برای بسیاری از بد آموزی ها فراهم خواهد کرد . به این نکته باید توجه داشته باشند که گاهی کودکان خود را به خواب می زنند تا از چند و چسبون وقایعی که بر پدر و مادر می گذرد سر در آورند .

ادامه آشنائی کودکان از این روابط ممکن است زمینه را برای پاره‌ای از بازی های جنسی و بعد



بستر کودکان را باید جدا کرد بگونه ای که در سنین تمیز دوبرادر ، دوخواهر ، برادر و خواهر حق ندارند در بستر یکدیگر و با هم باشند مگر آنکه فاصله‌ای فیمابین آنان باشد . این امر در رابطه با پدران و مادران هم مورد توصیه و تاءکید است . اسلام اجازه نمی دهد که حتی پدری با دختر یا پسر ممیزش در یک بستر بخوابد مگر آنکه از روی اضطرار و حائلی فیمابین باشد و بهمین ترتیب مادر .

این نکته را همگان میدانند و لی برای افزایش هشجاری ذکر می شود که حتی کودکان خردسال در صورتی که در بستر پدر یا مادر می خوابند بگونه ای باید باشند که اصطکاک پوستی و لمسی برای آنان نباشد . این توصیه ها نه بدان خاطر است که بخواهیم بگوئیم پدران و مادران را خدای نخواستہ قصدی ناروا و یا

همه بد آموزند و زمینه ساز بسیاری از لغزشها در سنین بعدی می شوند .

از همان دوران خرد سالی کودک باید مراقب باشیم که در حین شستشو ستی و پوششی برتن طرفین باشد . پیراهن را از تن کودک درآوریم ولی او را با شورت در حمام شستشو دهیم ، مادر در دوران تمیز کودک حق ندارد به حساب استحمام کودک خود لخت و برهنه شود . . . . . و خانواده‌ای که چنین اصولی در آن مورد مراعات قرار نمی گیرد خانواده نابسامان است .

#### مراقبت‌ها برای کودک

کودک نیاز به نوازش و محبت دارد و والدین در ارضای این نیاز باید کوشا باشند . بوسیدن ، درآغوش گرفتن ، دست بر سروتن کشیدن از جلوه‌های این نوازش است و سراسر وجود کودک را افناع و اشباع می کند . حتی در روایات آمده است که فرزندان خود را ببوسید و . . . . .

این امر در رابطه با برادران و خواهران هم مطرح است و باید نسبت بهم مهر ورزی داشته باشند . ولی مسأله قابل ذکر این است که این امر در برخی از سنین باید صورت جلوه دیگری پیدا کند . مثلاً " برادر و خواهر بهنگامی که به سن نوجوانی و بلوغ و حتی به سن تمییز رسیده‌اند حق ندارند گونه یکدیگر را ببوسند . اسلام اجازه نداده است که دختر نوجوان بر روی زانوی پدر یا درآغوش او باشد . مرد اجنبی حق ندارد گونه دختر ممیز را ببوسد وزن اجنبی هم چنین حقی را در رابطه با پسر ندارد

بقیه در صفحه ۵۹

نیستی نادرست است بلکه سعی بر عادت دادن افراد به نظامی از زندگی است کسه در آن عارضه‌ای برای افراد نژاید ، خفته‌ای بیجهت بیدار نشود و اندیشه سوئی در این رابطه جای پایدا نکند .

از نظر ما آزادی ها و بی پروائی ها و گاهی عدم مراقبت ها در باره مسائل جزئی حیات خود از عوامل می شود و زمینه برای بسیاری از نا روائیها و لغزشها فراهم می شود . اندیشه های ناروا همه گاه در شرایط مساعد خود پرورش می یابند و محقق می شوند ، بهنگامی که شرایط موجود نباشند عارضه ها فانی و نابودند .

#### این نوزاد را چگونه تربیت کنیم

از عواملی که آلوده کننده‌اند و یا لاقبل درس بدی برای کودکان هستند بی توجهی والدین در امر استحمام کودک است . گاهی پیش می آید که پدران و مادران خود به شستشوی فرزندان و استحمام آنها می پردازند و البته این امر کاری بصواب و ضروری است . خطر بهنگامی است که والدین در این رابطه بی پروائی‌هایی داشته و لخت و بدون ستر باشند . در برخی از مناطق و شهرها ، در حمام های عمومی ، برخی از زنان ستر پوشی را ممکن است قائل نباشند و فرزندان خردسال و گاهی پسران را با خود به حمام می برند . و یا بحساب اینکه مادر محرم پسر خویش است او را با خود به حمام خانه برده و لخت می شود و به شستشوی او می پردازد و یا در آن واحد پسر و دختر خردسال خود را لخت کرده و آنها را شستشو می دهد غافل که اینها



# دانش آموزان تیزهوش و خلاق

بطور کلی کودکان و دانش آموزان تیز هوش کسانی هستند که از نظر کنش های هوشی برجستگی یا پیش افتادگی قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر همسالان خود دارند . برجستگی بالفعل یا بالقوه کودکان تیز هوش عموماً " شامل زمینه‌های زیر است :

الف - توانایی عمومی هوشی

ب - استعداد خاص تحصیلی

ج- تفکر خلاق و مولد

د- توانایی رهبری

ه- هنرهای نمایشی

و - مهارت‌های ذهنی - حرکتی

دکتر غلامحسین رفیعی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

لذا در شناسایی کودکان و دانش آموزان تیز هوش می باید به معیارها و شاخص های متفاوتی توجه داشت . نتایج حاصله از مطالعات انجام شده در رابطه با دانش آموزان تیزهوش ، بیانگر اینست که دانش آموزان تیز هوش عموماً " از ویژگی های خاصی برخوردارند که می توان آنان را در بین گروه های مختلف مورد شناسایی قرار داد . هرچند که این ویژگی ها بسیار متنوع

اگر چه نتایج حاصله از آزمونهای تراز شده هوشی خود شاخص بسیار مهمی است در تشخیص تیز هوشی ، اما با توجه به مطالعات جامعی که توسط روانشناسان و محققان مختلف نظیر گیلفورد ( GUILFORD 1977 ) در زمینه پدیده هوش بعمل آمده ، در تشخیص قطعی تیز هوشی تکیه تنها بر بهره هوشی ( IQ ) کودکان امر صحیحی نمی باشد .



" توانایی ذهنی " کودک از طریق آزمون  
 کتبی هوشی و یا پیشرفت تحصیلی فوق العاده  
 کودک در کلاس درس قابل تشخیص است . این  
 کودکان عموماً " قادرند آنچه را که می آموزند  
 بسهولة بخاطر سپرده و حفظ نمایند . بدیهی  
 است از نظر سنی هم می توانند زودتر از  
 همسالان خود برنامه های آموزشی را شروع  
 نمایند . از نظر ذهنی ، بنظر می رسد که در  
 مورد دروس و موضوعات مختلف مدرسه بیشتر  
 کنجگاو باشند . خلاقیت ، قدرت استدلال  
 درک سریع مفاهیم و حافظه قوی این قبیل  
 دانش آموزان براحتمی قابل مشاهده می باشند .  
 علیرغم آنکه این دانش آموزان ممکن است  
 بلحاظ پیش افتادگی تحصیلی در سنین دبستان  
 از نظر اجتماعی مورد کم توجهی و یا احیاناً  
 بد رفتاری بعضی از همکلاسی ها قرار گیرند .  
 بررسی های انجام شده نشان میدهد که آنها  
 از نظر سازگاری اجتماعی کاملاً موفق هستند .  
 " قدرت خلاق " ، که اغلب توسط آزمون  
 تفکر واگرا که توانایی کودک را در ارائه راه  
 حل های متنوع نسبت به حل یک مسئله می سنجد  
 مورد ارزشیابی قرار می گیرد . کودکان خلاق  
 لزوماً در آزمونهای عمومی هوش نمره چندان  
 فوق العاده ای را کسب نمی کنند اما در آزمونهای  
 مربوط به سنجش مهارتهای تفکر و اگر نمره  
 بالایی بدست می آورند .  
 کودکانی که خلاق هستند از خود راه حل های  
 هوشمندانه و خارق العاده ای را در حل مسائل  
 نشان میدهند . آنها افرادی هستند مستقل و بی  
 تعصب در بازخوردها و نگرشهای خود و ترجیح  
 میدهند که در یک شرایط باز و نامحدود از نظر  
 یادگیری فعالیت نموده تا نقطه نظرهای خود را  
 ارائه دهند .

و وسیع هستند ، اما بعضی از این ویژگی ها  
 کاملاً محسوس و قابل ملاحظه می باشند .

" سیک ( SISK 1977 ) محقق  
 آمریکایی در تحقیق خود پیرامون ویژگی های  
 دانش آموزان تیز هوش به ویژگی های زیر اشاره  
 می نماید :

- ۱- استفاده سریع از لغات و کلمات
- ۲- بخاطر سپردن اطلاعات متنوع
- ۳- برخورداری از دامنه توجه جدی
- ۴- توانایی فهم مفاهیم پیچیده ، درک روابط  
 و تفکر انتزاعی
- ۵- وسعت طیف علائق
- ۶- مهارت های قوی در تفکر نقاد و انتقاد از  
 خود

۷- توانایی های فوق العاده و خلاق ، که  
 باعث شهرت کودک در داشتن نظریات تازه  
 و خارق العاده می شود .

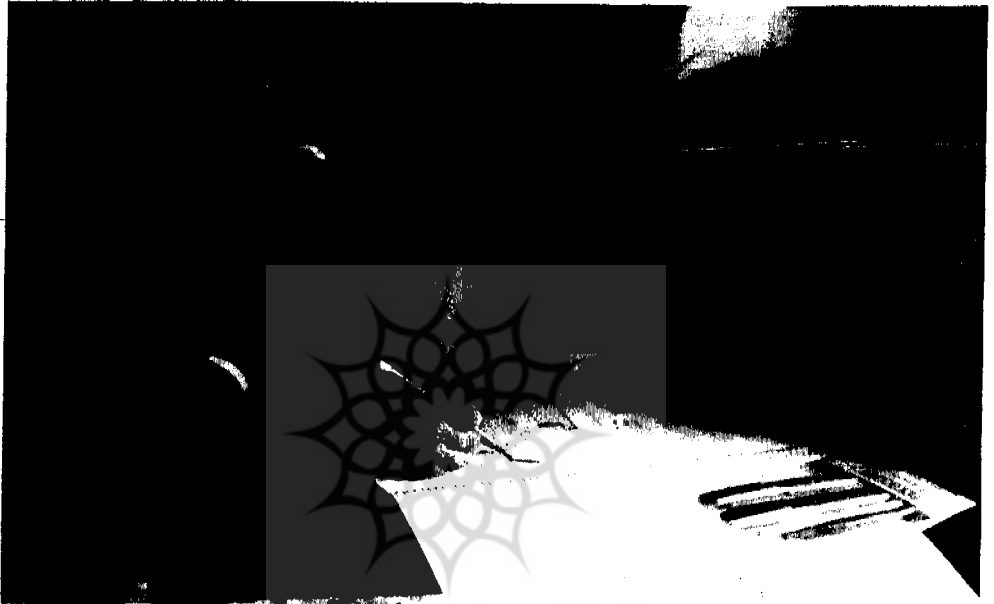
۸- احساس نشاط و انبساط خاطر ، تفکر مستقل  
 و توجه قابل ملاحظه نسبت به عواطف و مشکلات  
 بومسایل .

بطور کلی تحقیقات مختلف از جمله پژوهش  
 طولانی و بسیار ارزشمند ترمین ( terman )  
 در دانشگاه استنفورد نشان میدهد که کودکان  
 تیز هوش از نظر سازگاری اجتماعی ، رفتار  
 اخلاقی و معنوی ، روابط عاطفی و ویژگی های  
 جسمانی در مقایسه با جمعیت کل جامعه برتر  
 می باشند .

پندارویز PNDARVIC 1981 در مطالعات  
 خود پیرامون ویژگی های کودکان تیز هوش به  
 سه مقوله خاص اشاره می نماید که عبارتند از  
 " توانایی های ذهنی " " قدرت خلاق " و  
 استعداد های خاص "

کودکان باهوش لزوماً "خلاق هم هستند؟ و آیا خلاقیت هنری همانند خلاقیت علمی است؟ آیا قدرت حل مشکلی ناشی از هوش فوق العاده است و یا خلاقیت ذهنی؟ آیا خلاقیت ذهنی را می توان به مهارت‌های خاص و ظریف تری تقسیم نمود؟ و بالاخره آیا خلاقیت آموختنی و

" استعداد‌های ویژه " و یا توانایی خاص طیف بسیار وسیعی هستند که شامل فعالیت‌های کلامی و علوم می باشند . همچنین کودکی ممکن است در رهبری و اداره دیگر کودکان دارای استعداد خاصی باشد .



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### خلاقیت!

یادگرفتنی است ؟ و در نهایت در ارزیابی و اندازه گیری مسئله خلاقیت در کودکان به چه عواملی باید توجه داشت و چرا؟ تحقیقات روانشناسی تاکنون نتوانسته است بطور قطع و یقین به بسیاری از سؤالات مذکور و سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهد . دست اندر کاران تعلیم و تربیت عموماً " در تعریف خود از خلاقیت به شرایط یادگیری و حل مسائل آموزشی توجه دارند در این رابطه تعریفی که جونز از خلاقیت

بطور کلی ارائه یک تعریف جامع و مانع و دقیقی از خلاقیت که شامل همه ابعاد و کنش‌های آن باشد اگر غیر ممکن نباشد ، امری است بسیار مشکل ، زیرا افراد مختلف برداشتهای متفاوتی از خلاقیت داشته و بالطبع تعاریف متنوعی از آن ارائه نموده اند . ریشه اصلی چنین اختلاف نظری ، ناشی از ماهیت بسیار پیچیده و مرکب مغز و کنشهای آن است . آیاتیزهوشی و خلاقیت دو کنش مجزای ذهنی هستند؟ آیا

رشد میکنند .

۵- اندیشه تخیلی و تفکر مبتکرانه موجب برانگیختگی قدرت خلاقیت می شود .

۶- خلاقیت با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است . لذا اعتماد به نفس قوی بسرای رشد خلاقیت امری است کاملاً " ضروری .

۷- خلاقیت از طریق بیسان احساسات و برداشت های شخص غنی تر می گردد . صحبت درباره تجربه خلاق ارزش آن را بیشتر می نماید .

۸- خلاقیت، کنجاوی و تمایل برای دانستن و تجربه بسیاری از چیزهاست . لذا به کنجاوی دانش آموزان می بایست بهاء داده شود .

۹- خلاقیت، توسعه آگاهی و توانایی جذب و بهره مندی از همه نعمت های زندگی است .  
۱۰- نکته نظرها و اظهارات خلاق کودکان و دانش آموزان می بایست مورد تشویق قرار گرفته و زمینه ظهور آن را فراهم نمود .

ویژگی های کودکان و دانش آموزان خلاق :  
باتوجه به مطالعات انجام شده توسط محققان مختلف نظیر مکینون " MACKINNONI " ۱۹۶۲ ، ترنس " TORRANCE " ۱۹۶۶ و لی کاک LAYCOCK ۱۹۷۹ افراد خلاق عموماً " از خصوصیات و ویژگی های زیر برخوردارند :

۱- از نظر هوشی بالاتر از سطح متوسط هستند .

۲- از نظر هوش کلامی و فضایی بسیار برجسته هستند .

۳- این افراد دارای ظرفیت حافظه فوق العاده در ثبت و نگهداری وقایع مختلف می باشند

۴- آماده اند امور و فعالیت های مختلفی را تجربه نمایند .

ارائه میدهد بدین شرح است : " خلاقیت ترکیبی است از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظراتی که یادگیرنده را قادر می سازد که خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که نتیجه آن رضایت شخصی و احتمالاً " خشنودی دیگران خواهد بود " . براساس مطالعات و تحقیقات انجام شده پیروان خلاقیت نکات زیر در درک و توسعه خلاقیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است :

۱- خلاقیت امری است توسعه پذیر، عبارت دیگر همه دانش آموزان از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند .

۲- خلاقیت امری است فروری . ۱۰ زیبایی



خلاقیت توأم با ارزیابی توانایی های فردی است .

۳- خلاقیت از طریق حساسیت دردردک مسائل قابل توسعه است .

۴- خلاقیت از طریق آزمایش و تجربه و کنکاش

۱۰- به مسائل مذهبی و فلسفی علاقه نشان میدهند .

۱۱- عموماً " مقاوم و باجرات ، و انتقادپذیر و خستگی ناپذیر هستند .

۱۲- خود جوش ، صادق و ساده هستند .

۱۳- دارای اعتماد بنفس و اراده قوی و قدرت رهبری هستند .

بدیهی است که مجموعه صفات فوق الذکوره ویژگی های دیگر در گروه دانش آموزان خلاق قابل مشاهده بوده است . بدیگر سخن اگر بعضی از ویژگی های مزبور در یک فرد خلاق بطور کامل مشاهده نشود ، مطمئناً در گروه افراد خلاق قابل مشاهده خواهد بود .

شناخت و پرورش چنین استعداد های برجسته و خلاق از وظایف و مسئولیت های خطیر مربیان است . بی تردید دربینش اسلامی ، ظرفیت فوق العاده ذهنی در بعضی از افراد ، بیش از هر چیز دیگر بیانگر مسئولیت بیشتر آنان است چرا که " لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا رَّالًا وَسَعَهَا " . لذا تعلیم و تربیت دانش آموزان تیز هوش و پرورش استعداد های خلاق لاجرم همراه با شناخت و خود آگاهی و احساس مسئولیت های خطیر الهی و پذیرش رسالت های اجتماعی خواهد بود . \*

۵- از نظر فکری مستقل هستند .

۶- از نظر اجتماعی رفتاری مطلوب دارند

۷- از نظر بیان صریح ، سلیس و راحت هستند .

۸- افرادی فعال ( پراورزی ) و کنجکاو هستند .



۹- در حل مسائل و پاسخ به سئوالات عموماً از تفکر واگرا برخوردارند .

به مقاله " جایگاه دانش آموزان تیز هوش در نظام آموزشی ما " مندرج در فصلنامه آموزش و پرورش سال اول شماره ۳ و ۲ و یا به فصل کودکان تیزهوش در کتاب مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی انتشارات دانشگاه تهران مراجعه نمود .

## 1- Creativity

### ۲- تفکر واگرا Divergent thinking

تفکری است که بگونه ای متفاوت از جریان عام فکری جامعه سعی در حل مسائل می نماید .

\* برای آگاهی بیشتر در زمینه چگونگی آموزش و پرورش دانش آموزان تیز هوش ، می توان



# تجربیات و اشاراتی در تعلیم و تربیت

شنبه

کلمه رضا حسینی

— تلفن رنگ می زند :

الو ..... از مجله پیوند .....

پس از سلام و احوالپرسی ..... کلام علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در چه زمینه ؟ .....

بهتر است تربیتی باشد ..... تجربیات تربیتی — خاطرات تربیتی .....

انتقال آموزش به خانواده . آموزش به اولیاء — چگونگی تماس با اولیاء .

تربیت در کنار آموزش ..... برای دانش آموزان . — رفتار کارکنان .

بعد از گذاشتن گوشی و قطع مکالمه تلفنی روی کلمات تربیت، خاطره، تجربه و رابطه و رفتار دقیق شدم . مگر نه این است که تمام زندگی اجتماعی ما مجموعه‌ای از رفتار و رابطه با دیگران است و مگر نه این است که دائما " در زندگی از رفتار دیگران اثـ می پذیریم و بر روی دیگران اثر میگذاریم و مگر نه اینست که زندگانی مجموعه صحنه‌هایی است که بر روی یک نوار به طول عمر ما ضبط گردیده است. پس، از همین امروز چند صحنه را که روی این نوار ضبط است به روی کاغذ آورده و باهم میخوانیم ..... باین باور که شما خواننده عزیز هم نکته‌های تربیتی بهتر و جالب تری دارید . \*



## چهارشنبه

اخلاق مهمترین مسئله تربیتی است که برای هر انسان بعنوان پدر یا مادر و یا مربی و یسا بعنوان دانش آموز و بالاخره به منزله یک شهروند مطرح است و وقتی در روایات و احادیث در زمینه اخلاق و رابطه افراد مطالعه می کنیم درجه و ارزش آن در تربیت اسلامی رویا روی ما قرار می گیرد و کلام گرانبار حضرت رسول اکرم ، که فرمود اِنِّیْ بُعِثْتُ لِأَتِمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ بنیادی بودن و محور بودن اخلاق را در تعلیم و تربیت اسلامی روشن می سازد و این وظیفه پدر و مادر و مربیان است که عادات و ملکات پسندیده را در نهاد کودک مستحکم و استوار سازند و روی هر یک از خصوصیات و صفات پسندیده در جهت خود سازی خود و فرزندان تلاش نمایند . با توجه باینکه فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی سرشار از پندها و اندرزها و نکات اخلاقی است فقط عدم توجه اولیاء عزیز است که موجب برخی انحرافات اخلاقی در فرزندان و نونهالان میگردد و به عکس آن توجه و دقت والدین و مربیان در اختیار گذاشتن مطالب و نکات اخلاقی و تکیه بر اهمیت آنهاست که فرزندان را متقد به اصول اخلاقی می نماید . خوشبختانه فرهنگ پر بار ما که نشئت گرفته از عرفان اسلامی است از نکات و اشارات اخلاقی بسیار غنی است که برای کوتاه شدن سخن به دو اشاره یکی از جامی در رابطه با اتکاء بنفس و دوری از منت کشیدن :

به دندان رخنه در فولاد کردن

به ناخن راه در خارا بریدن

به فرق سر نهادن صدشتر بار

زمشوق جانب مغرب دویدن

فرورفتن به آتش زان نگونسار

به پلک دیده آتش پاره چیدن

به کوه قاف رفتن پابرهنسه

وز آنجا سنگ صدمن آوریدن

بسی برجای آسانتر نماید

که بار منت دونان کشیدن

و دیگری ابیاتی از پروین اعتصامی در رابطه

با اهمیت ایثار و همت بلند داشتن و نکات

دیگر اخلاقی مطلب را بیابان می بریم .

ای خوشا مستانه سردر پای دلبرداشتن

دل تهی از خوب و زشت چرخ اخضرداشتن

سوختن بگداختن چون شمع و بزم افروختن

تن بیادروی جانان اندر آذر داشتن

هر کجا نوراست چون پروانه خود را باختن

هر کجا ناراست خود را چون سمندر داشتن

در گلستان هنر چون نخل بودن بارور

عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن

همچو مور اندر ره همت همی پاکوفتن

چون مگس همواره دست شوق بر سرداشتن

## پنجشنبه

کتاب مبانی تعلیم و تربیت اسلامی در اختیار

ما قرار می گیرد که فشرده و چکیده ای از هفتاد و

چهار کتاب تربیتی و اخلاقی و اسلامی و . . . .

می باشد که مطلبی گزیده از آنرا از فصل اهداف

روباروی خوانندگان عزیز قرار می دهیم .



إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ، وَتَوَّصُوا  
بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ) .



۲- در مقام برقراری ارتباط مطلوب با خویشتن و شناسائی و بهره جوئی از کلیه استعدادها و امکاناتی که در وجود آدمی بودیعه نهاده شده است، باید وجود انسان به عنوان آیتی از آیات الهی و به عنوان مناسب ترین وسیله برای شناخت مبدا، آفرینش و تقرب به حضرت مورد مطالعه قرار گیرد و ( مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ ) . با توجه به این اصل تعلیم و تربیت باید بر معرفت ابعاد بدنی و روانی و عقلی و عاطفی و وجدانی آدمی و قوای مادی و معنوی و نقاط ضعف و قوت او ( فجور و تقوی ) مبتنی باشد.

۳- در مقام ارتباط معقول با جامعه : تعلیم و تربیت باید بر شناخت و تبیین ارزشهای زندگی گروهی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن و ایجاد ایمان قلبی نسبت به این ارزشها مبتنی باشد و افراد را در عمل به اقتضای این علم و ایمان در جهت تشکیل خانواده و امت اسلامی و جامعه بشری سوق دهد .

۴- در مقام ارتباط معقول با عالم طبیعت : تعلیم و تربیت باید بر شناخت عالم طبیعت و کشف و درک قوانین حاکم بر آن و ایمان به هدفداری جهان مبتنی باشد و آدمی را به اقتضای این علم و ایمان در سعی مستمر و عمل صالح و بهره وری فعال و متعادل و مشروع از منابع و مواهب و زیبایی های طبیعت و اقدام در حفظ و حراست آن و تحقق حیات طیب ، تشویق و ترغیب و مساعدت کند . شناخت عوالم طبیعت به عنوان آیات الهی از طریق مشاهده، تفحص و تفکر ، به تشخیص و درک قوانین حاکم بر جهان و نهایتاً " به تعظیم خالق و ناظم و حافظ

هدف ، نقطه ای است که آدمی برای وصول به آن در حرکت و تلاش است محرک و مشوق آدمی به کار و فعالیت و راهنمای او در حرکت است . این نقطه گاهی با ما فاصله کمی دارد و گاهی فاصله آن همچون ستاره های دور از دسترس است . در اسلام هدف قرب به خداهدفی در بینهایت است و آدمی در سایه عبادات گام به گام این مراحل را طی می کند. هدف غائی و نهایی تربیت و تعلیم اسلامی آنست که مقدمات حرکت و هدایت و معراج وی را به مرحله کمال انسانی آسان سازد و راه بازگشت به احسن تقویمی که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است هموار کند و به یاری عمل صالح از مراحل و مدارج علم و ایمان بگذارند و به خدا که مقصد نهائی این سیر و سلوک است نزدیک نماید و بقول سعدی :

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر که تاجه خداست مقام آدمیت  
طیران مرغ دیدی ، تو ز پای بند شهوت  
بدر آئی ، تا ببینی طیــــران آدمیت  
در این جولانگاه باید چگونگی ارتباط آدمی با خودش ، با جامعه بشری و تاریخ و با عالم طبیعت و این هرسه با یکدیگر معلوم گردد و این اهداف بعنوان محور تلقی شود لذا :

۱- تعلیم و تربیت باید بر معرفت و ایمان به خدای یکتا و اعتقاد به اسلام و حسن قبول نسبت به قرآن مبتنی باشد و به عمل طبق شرایطی که ایمانی این چنین اقتضا نماید ، بیانجامد . ( وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ،

امور خواهد انجامید . پی بردن به رموز خلقت عالم و قوانین حاکم بر پدیده‌های طبیعی هر چند نسبتاً " محدود بوده و هست باید ایمان به قانونمندی و هدفداری جهان را ایجاد کند و این اعتقاد را که هیچ چیز در این نظام بی‌هوده و عبث آفریده نشده است و هر پدیده‌ای ضرورتاً " از مجموعه قوانین حاکم بر این نظام تبعیت می کند ، تقویت نماید .

علم و ایمانی که مذکور افتاد باید روحیه‌تتبع و تفکر را در آدمی ایجاد و تقویت کند و مربیان را به ابداع و ابتکار و اقدام در استفاده مفعول و مشروع و متعادل از منابع و مواهب موجود در طبیعت در جهت بهبود وضع خود و امت اسلامی تشویق نماید .

نویسنده در زمینه تفصیل اهداف فوق با ترسیم چهره متقین از خطبه معروف حضرت امیر مومنان علی علیه السلام بنام خطبه همام که صفات یک انسان طراز اول مکتب را در رابطه با خداوند و در رابطه با خود بیان می کند و در رابطه با جامعه نیز خصوصیات از روایات و احادیث را انتخاب نموده و تشریح مینماید و ما هم مطلب را در همین جا پایان بخشیده و همراه شما عزیزان از خداوند بزرگ رسیدن به این اهداف والا و متعالی را درخواست مینمائیم .

### جمعه

در روز پایانی هفته و پایان کلام از جمله حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تَحْسَبُوا الْهَامَ گرفته و تاکید بر باز بینی و ارزشیابی کارهای انجام شده نمائیم که تا چه حد در جهت رضای خداوند و خدمت خلق بویژه محرومین بوده است و اشاره به این نکته که در مکتب وحی و اسلام برای ایام در گردش سال و ماه رهنه‌مانند عید فطرو عید قربان و روز جمعه اعتبار معنوی خاصی معین گردیده و اعمال عبادی مخصوصی هم جهت هر یک دستور داده شده است . روز جمعه که عبادات مستحب و ادعیه و زیارات و بویژه نماز جمعه در آن وارد است از جمله همین ایام و روزهای متبرک می باشد و نام سوره شصت و دوم از قرآن کریم بنام جمعه و همچنین آیه نهم از این سوره يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ، ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

تاکید بر همین نکته دارد . با آرزوی بینش و دانش و توفیق بیشتر  
والسلام . اللَّهُمَّ وَقِنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

الْمُؤْمِنِ الْإِفْ ، مَا لَوْ ، مُتَعَطِّفٌ .

« غرر بحکم و ذرر الحلم »

مؤمن، الفت‌گیر، الفت‌پذیر و مهربان است.



# نقش مراقبین بهداشت

## در آموزش بهداشت روانی دانش آموزان

سازمان بهداشت جهانی در تعریف سلامتی می گوید: سلامتی عبارت است از برخورداری کامل از رفاه جسمی روانی و اجتماعی بدون شک برای تأمین جنبه های جسمی، روانی و اجتماعی که دانش آموزان مدارس امیدهای نوظهوری هستند، لازم است و آرزوئی گسترده و همه جانبه است که با تلاش و پشتکار فرايندهای بهداشت آنان را تأمین نمایند.



مراقبین بهداشت یکی از عوامل موثر تاءمین بهداشت مدارس و مخصوصاً " بهداشت روانی می باشند . آنها با معلومات بهداشتی خود می توانند حالات نوروتیکی و سایکوتیک را تشخیص ابتدائی داده و مادر را به روانپزشک معرفی نمایند . همچنین با ایجاد هماهنگی بین دانش آموز و اولیاء مدرسه و خانواده از بروز بسیاری اختلالات روانی پیش گیری نمایند ، بنابراین نقش آنها را درسه بعد می توانیم بررسی نمائیم :



در این نقش آموزش اصول مقدماتی بهداشت روانی شامل : - انطباق با محیط مدرسه - انطباق با معلم - انطباق با درس .

- ۱- مفاهیم اخلاقی
  - ۲- مفاهیم اجتماعی
  - ۳- تفهیم انگیزه های رقابت سالم و عدم احساس ناتوانی در موارد شکست درسی .
  - ۴- کاهش یا از بین بردن آثار ترس های مرضی مخصوصاً " ترس از معلم و مدرسه .
  - ۵- تشویق دانش آموزان به همکاریهای اجتماعی و از بین بردن علل افسردگی آنان .
  - ۶- ایجاد روحیه احساس مسئولیت و کاهش احساسات منفی ، پوچ گزائی و بی هدفی .
- آموزش صحیح ، اصولی و مداوم موارد فوق که اغلب دانش آموزان از درک آنان عاجز بوده و یا بلبل گوناگون آشنائی چندانی ندارند مسلماً

عامل مساعدی خواهد بود برای ایجاد محیط سالم روانی مدارس . بعنوان مثال در بخش انطباق که امر مهمی در بروز علائم نوروتیکی دانش آموزان می باشد اگر آموزش معقول و مناسب صورت گیرد دانش آموز از احساس تضاد ناشی از اختلاف محیط خانواده و مدرسه دچار سرگردانی و بهت نگردیده و خواهد توانست با بینش واقع گرایانه مسئله را قبول نماید . آشنائی به مفاهیم اخلاقی و اجتماعی سد محکمی است برای جلوگیری از اختلالات نوروتیکی . در اینجا توصیه میگردد مراقبین بهداشت کتب اخلاقی و جامعه شناسی را مطالعه نموده و با بهره گیری از تعالیم ارزشمند اخلاق اسلامی سعی نمایند دانش آموزان را به وظایف و تکالیف خویش آشنا سازند . مسلماً دانش آموزی که احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی نموده و نقشی برای خویش در شکوفائی جنبه های گوناگون جامعه تصور نماید کمتر دچار اختلالات روانی خواهد شد .

مسئله رقابت و عدم احساس ناتوانی در موارد محرومیت های درسی یکی از مشکلات اساسی دانش آموزان مدارس محسوب میگردد و اگر مراقبین بهداشت با آموزش های فردی و اجتماعی بتوانند به آنها تفهیم نمایند که اگر چه وجود رقابتی سالم و سازنده در امر تحصیل نتایج درخشانی دارد اما هرگز نباید شکست در اینگونه رقابت ها و یا احیاناً " محرومیت در امتحان موجب افسردگی و اختلالات نوروتیکی گردد . در اینجا اولیاء مدرسه و خانواده دانش آموز نقشی اساسی بعهده دارند و مراقبین بهداشت در برخورد با موارد مشابه آنها را

تشویق دانش آموزان به فعالیت های اجتماعی و ایجاد زمینه های فکری لازم برای احساس مسئولیت اجتماعی و دور افکندن افکار پوچ گرایانه یکی از مهمترین وظائف آموزشی مراقبین بهداشت در مدارس می باشد. از آنجائیکه دانش آموزان آینده سازان کشور بوده و مدیریت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بدست آنان چرخش خواهد یافت، بنابراین سرمایه گذاری معنوی در تربیت صحیح و اصولی آنان اقدامی است ضروری و اجتناب ناپذیر. مسلمانان افزایش فعالیت های اجتماعی و انعطاف پذیری در مورد امور تعاونی و مشارکت بسیاری از اوقات خالی دانش آموزان را پرر نموده و در نتیجه آنها را از ابتلا به افسردگی های گوناگون نجات خواهد داد. میل به انجام ورزش های دسته جمعی شرکت در انجمن های علمی و ادبی، امور مددکاری، انجمن های خیریه و غیره از جمله مسائلی است که به دانش آموزان توان لازم را جهت انجام کارهای بزرگ اجتماعی آیندسده خواهد داد.



بدون شک هرآموزشی بدون داشتن ریشه های عمیق اعتقادی دوام و استحکام چندانی نخواهد داشت، در حقیقت آموزش بدون اعتقاد، کاشتن محصول در مزرعه ای است که از آبیاری محروم است. امروزه بخوبی تجسم عینی این واقعیت شگرف در زندگی روزمره مشاهده می گردد. بعنوان مثال پزشکی که سال ها رنج مطالعه مداوم و حفظ مطالب گوناگون را بخاطر کسب عنوان دکتری در امور طبی بر خود هموار نموده و در رشته مربوطه بدرجه اجتهاد رسیده

به خطرات فشارهای تحمیلی به دانش آموز متوجه ساخته و تاکید نمایند که توان روانی و فیزیکی دانش آموز نمی تواند با خواسته های اغراق آمیز و غیر واقع بینانه آنها سازگار باشد. بعنوان مثال برخی از والدین با مشاهده نمرات پائین فرزندان شان شروع به سرزنش یا احیاناً تنبیه آنان نموده و برعکس در مدارس برای نمرات بالا جوایزی مشروط در نظر میگیرند که دانش آموز بخاطر علاقه شدیدی که به جایزه وعده داده شده دارد بیش از توان روحی و جسمی خودش تلاش و فعالیت مینماید. در اینگونه موارد شکست بخاطر ترس از تنبیه و نرسیدن به نمرات بالا بخاطر محروم شدن از جایزه مورد علاقه منجر به نوعی افسردگی و ناراحتی روحی میگردد.

فوبی یا ترس مرضی از عوارض فشارهای روانی بوده و ریشه آن را باید در خانواده و سپس مدرسه جستجو نمود. عدم امنیت خانوادگی و اختلافات شدید والدین و تهدید و تنبیهات بی اساس می توانند آرامش روحی دانش آموز را مختل نموده و او را به نوعی وا همه مبتلا سازند نظیر اسکول فوبی - تیچر فوبی - اسپورت فوبی و غیره.

مراقبین بهداشت باید با آموزش والدین و اولیاء مدرسه آنها را از اعمال روش های خشونت بار منع نموده و ترتیبی دهند که دانش آموز در نهایت فراغ فکر مشغول مطالعه گردد.

ضمناً در موارد برخورد با دانش آموزانی که به نوعی از فوبی دچار هستند آنها را به مراکز مشاوره و یا روانپزشک معرفی نمایند.

۲- آموزش های اجتماعی به منظور جلب توجه دانش آموزان به کارهای گروهی و واگذار کردن مسئولیتهای اجتماعی .

۳ - ایجاد ارتباط صحیح و اصولی بین دانش آموزان و اولیاء مدرسه .

۴- مشاوره با روان شناس و روان پزشک در مورد دانش آموزانی که به نحوی پاره‌ای اختلالات شخصیتی در آنها مشاهده میگردد .

۵- تماس و مذاکره با اولیاء دانش آموزان بد

متاسفانه بعلت نداشتن اعتقاد کامل به حرفه مقدس خویش با گرایش به مظاهر مادی زندگی و تمسک به شیوه‌های تجارت جهت مال اندوزی بیشتر آنچنان لطمه‌ای به حرفه خویش می زند که هیچ دشمنی را این توانائی نخواهد بود بنابراین از محیط خانواده و مدرسه باید دانش آموزان را افرادی معتقد و مومن به شخصیت و مسئولیتهای خویش بار آورد . باید مفاهیم جهان بینی بتدریج به آنان آموخته شود



منظور آشنائی با مشکلات خانوادگی .  
 - همکاری با انجمن اولیاء و مدرسه (مربیان) به منظور تحقق اهداف بهداشت روانی .  
 بنابراین مراقبین بهداشت با آشنائی به مبانی اولیه بهداشت روانی شامل :  
 - احساس احترام شخص به خود و دیگران .  
 - شناخت محدودیت‌های روانی و فیزیکی خود و دیگران .

فلسفه حیات ، ایدئولوژی و مسائل مذهبی در انجسام و نظم خاص به فرد فرد آنها بیاد داده شود .



کمک به دانش آموزان در کاربرد فراگیری های بهداشت روانی شامل :

۱- مصاحبه‌های فردی جهت شناخت مشکلات روانی دانش آموزان و راهنمایی آنان .

چهارم : عواقب و خیم خشونت ، طرد و تنبیه دانش آموزان توسط معلمین و مسئولین اجرایی مدارس با سخن رانی و انتشار مجلات و نشریات مختلف بازگو گردد .

پنجم : ساعاتی از آموزش عمومی دانش آموزان به آموزش بهداشت روانی اختصاص یافته و با استفاده از فیلم و اسلاید مسائل مهم و قابل استفاده بازگو گردد .

ششم : باگسترش جنبه‌های ورزشی و تفریحی سالم از گرایش دانش آموزان به اختلالات و انحرافات نظیر اعتیاد به سیگار ، مواد مخدر و مواد مضره دیگر جلوگیری شود .



— شناخت روابط علت و معلولی در رفتارهای روزمره .

— آشنائی به نیازها و محرکهائی که سبب ایجاد رفتار و اعمال انسان میگردد .

می توانند در تشخیص مقدماتی حالات نوروتیک موفق گشته وبا آموزش های مداوم و پی گیری منطبق با اصول علمی بهداشت روانی اقدامات مفیدی را انجام دهند .

درخاتمه به منظور اعتلای سطح بهداشت روانی مدارس که مآلاً " منجر به تعلیم و تربیت سازنده دانش آموزان میگردد پیشنهاداتی ارائه نموده و رجای واثق دارم مسئولین محترم در توجه به آنها دقت بیشتری نموده و سعی خواهند فرمود بهداشت روانی را که متأسفانه بعلل گوناگون در بونه فراموشی فرو رفته بود جانی تازه بخشند

#### پیشنهادات :

اول : مراقبین بهداشت یک دوره فشرده درس های بهداشت روانی را حداقل درسه ماه گذرانده و به اخذ گواهی نامه ای در این مورد نائل آیند .

دوم : یک سیستم مرتبط از روان پزشک روانشناس و مراقب بهداشت بمنظور شناخت اختلالات روانی دانش آموزان و ارائه روشهای پیشگیری و احیانا " در مواردی درمان ، بوجود آید .

سوم : انجمنی بنام انجمن بهداشت روانی توسط مراقبین بهداشت در مدارس تشکیل و با همکاری اولیاء خانواده و مدرسه اقدامات وسیعی در جهت پیاده نمودن اصول بهداشت روانی مدارس آغاز گردد .

تهیه شده در : حوزه معاونت بهداشتی سازمان منطقه ای بهداشتی آذربایجان شرقی — اداره آموزش بهداشت — مردادماه ۱۳۶۵

شروع گفتگو :

پدر، در دفعه پیش در باره چه گفتگو می کردیم . . . . بچه: در باره بدی و بسدی کردن . . . .

پدر: بدبھائی که آندفعه گفتی کدامها بودند بچه تا حدودی که حافظه اش یاری می کند، بازگو می کند شاید چیزی را هم اضافه تر بگوید که قبلا " عین آنرا نگفته بود .

پدر: حالا بگو ببینم بدبھای دیگری که هست و یا بعضی بچهها انجام میدهند کدامند بچه: امروز دوتا از بچهها وقتی توی حیاط مدرسه زنگ تفریح بازی می کردند ناگهان یکی عصبانی شد و آن یکی را هل داد. او هم این را هل داد. بعد هم رو بروی هم ایستادند این دستش را روی یخه و سینه او بحالت عصبانیت گذاشت. او هم مشت خود را گسره کرده و چشماش را هم خیره کرده به طرف سینه او اشاره می کرد.

پدر: خوب اینهم یک کار بدی بوده است. اسم آنرا چه بگذاریم؟ بچه: خوب، دعوا دیگه پدر: پس یکی از کارهای بد هم دعوا کردن است.

بقیه انشاااااااااا . . . . . درآینده

بقیه از صفحه ۱۱

او را مجازات می کند یا سکوت می کند. در اینصورت ما می گوئیم که خداوند هر کس را که کار بد بکند مجازات می نماید. البته شاید بچه کلمه مجازات یا تنبیه را نفهمد و بکار نبرد مثلا " بپرسد مجازات یعنی چه؟ یعنی خداوند او را می زند؟ در اینصورت خود مبحث جدیدی گشوده می شود و این مطلب آنستکه به ترتیبی مفهوم مجازات را برای بچه بگوئیم و تشریح کنیم.

\*\*\*\*

شاید شما اولیاء محترم در اینجا بگوئید بچه اینهمه حوصله ندارد که پهلوی ما بنشیند و اینگونه باهم گفتگو کنیم.

البته امتحان کنید ببینید آیا همینطور است؟ در اینصورت شما این گفتگو را به اندازه حوصله بچه پیش ببرید تا اینکه او منصرف شود و دیگر آمادگی برای جوابگوئی و علاقه برای شنیدن ادامه بحث نشان ندهد. اگر اینطور بود ادامه بحث را بموقت دیگر مثلا "ساعتی دیگر یا شبی دیگر موکول نمائید.

اما بایستی یادتان نرود که تا کجا بحث را ادامه دادهاید.

فرض کنید مجددا " وقت مناسبی بدست آوردهاید و حالا مجددا " می خواهید بدی و خوبی و پاداش و کیفر را که خداوند می دهد برای فرزندتان تشریح کنید.

در شروع بحث و گشودن باب سخن در این دفعه لازم است خلاصه ای از آنچه را در دفعه گذشته باهم گفتگو کردهاید یادآوری نمائید و بازگو کنید، تا بچه زمینه مساعدی پیدا کند

